

غزل شماره ۸

ساقیا بر خیز و درده جام را

خاک بر سر کن غم ایام را

ساغر می بر کفم نه تاز بر

بر کشم این دلِ آرزق فام را

کرچه بدنامی ست نزد عاقلان

مانمی خواهیم تنگ و نام را

باده درده چند از این بادِ غرور

خاک بر سر، نفسِ نافرجام را

دودِ آهِ سینه نالانِ من

سوخت این افسردگانِ خام را

محرمِ رازِ دلِ شیدایِ خود

کس نمی بینم ز خاص و عام را

بادلارامی مرا خاطر خوش است

کز دلم یک باره بُرد آرام را

مکر و دیکر به سرو اندر چمن

هر که دید آن سرو سیم اندام را

صبر کن حافظ به سختی روز و شب

عاقبت روزی بیابی کام را

تفسیر فال

یا علی بگو و از جا بلند شو، تلاش کن و در این مسیر هیچ تردیدی به خود راه نده. تنبلی را کنار بگذار و غم ایام را مخور، زیرا زندگی پر از چالش‌ها و مسائلی است که با عزم و اراده می‌توان بر آن‌ها فائق آمد. مشکلات مادی تو حتماً حل خواهد شد؛ تنها کافی است با خویشتنداری و تدبیر به جلو پیشروی. بدنامی هرگز دامت را نمی‌گیرد اگر خود را از قید افکار منفی رها کنی و هدف‌های والای خود را دنبال کنی. نفس اماره ی خود را که گاه



می‌تواند تو را به سمت سستی و عدم تلاش سوق دهد، از بین ببر و راز دل خود را به کسی نگو، چراکه افشای آرزوها ممکن است خطری برای تحقق آن‌ها باشد. تو به دلارام خودت خواهی رسید؛ فقط باید صبر داشته باشی و مقاومت کنی. روزی خواهد آمد که با تحمل سختی‌ها، طعم شیرین موفقیت را بچشی و به کام دلخواهت برسی. پس با امیدواری گام بردار و بدان که هر تلاش کوچک در نهایت مسیرهای بزرگتری فراهم می‌آورد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)